بررسی زبان لالایی‌هاي کرمانی

طاهره حسنی سعدی

نجمه طاهری مازمینی

چکیده

لالایی یکی از عناصر فرهنگ عامیانه‌است که‌از روزگاران قدیم همواره مونس تنهایی‌های مادران و کودکان بوده‌است. این نوع ادبی، منبع بسیار مهمی برای شناخت فرهنگ گذشتهٔ هر سرزمین است؛ زیرا در بردارندهٔ اطلاعات فرهنگی، ادبی، سیاسی و اجتماعی روزگار گذشته بوده‌است. براین اساس، در مقاله حاضر سعی شده، زبان خاص لالایی‌های کرمانی و برخی کارکردهای آن‌ها از نظر محتوا، موسیقی، واژگان، تخیل و شخصیت ها و شیوهٔ روایی مورد بررسی قرار گیرد تا ویژگی‌های خاص زبان لالایی‌های کرمان و رابطهٔ خاص بین زبان این لالایی‌ها با اقلیم، نوع معیشت و شیوه زندگی مردم نمایان گردد.

کلید واژه‌ها: لالايي، کرمان، فرهنگ عامه، زبان، پدر، مادر، کودک.

مقدمه

فرهنگ هر کشور یا سرزمینی در بردارندهٔ تمام آدابی است که مردم از یکدیگر می‌آموزند و تقریباً همهٔ اعمال انسان، مستقیم و غیرمستقیم از فرهنگ ناشی می‌شود و تحت نفوذ آن است. به قول لانژون «فرهنگ از زندگی آغاز می‌شود و به زندگی باز می‌گردد و زندگی سراسر هم آفرینش دایم است و هم حفظ آنچه مفید به حال حیات و صیانت ذات است.» (حسینعلی بیهقی، ۱۳۶۷: ۱۴). یکی از نمودهای فرهنگی هر کشوری، ادبیات و به خصوص ادبیات عامیانهٔ آن است. ترانه بخشی از ادب و فرهنگ عامه جامعه ما را تشکیل می‌دهد که‌افریده ذهن توده مردم است؛ ادبیاتی که‌از میان مردم شکل گرفته، به کمال رسیده و مطابق با فرهنگ ها، اقوام، زبان ها و متناسب با شرایط اجتماعی، دگرگونی هایی را پذیرفته و در عین حال دربردارنده ویژگی‌های خاصی است. گستردگی این ابعاد در ترانه‌های ملی سرزمین ما ضرورت گردآوری، طبقه بندی، تحلیل و معرفی آنها را ایجاب می‌کند (میهن دوست، 1355: ۷). یکی از گونه‌های ترانه‌های عامیانه، لالایی‌ها هستند. لالایی ها بخش قابل توجهی از ترانه‌هایی را تشکیل می‌دهد که با طبیعت و زندگی و فرهنگ «مادی و معنوی» مردم پیوندی وثیق یافته‌اند و نشان دهندهٔ ابعاد مختلف هستند. در واقع لالایی ها آغازگر ادبیات زنانه بوده‌اند که در پای گهواره بچه‌هایشان شروع کرده‌اند و این زبان نسل به نسل انتقال یافته‌است؛ از این جهت پژوهش درباره ویژگی ها و مفاهیم درونی لالایی ها، به عنوان شاخه‌ای از ادبیات زنانه و راهی برای شناخت زندگی درونی زنان در گذشته و خصلت‌های فطری آنان و آرزوها و آرمان‌هایشان، بسیار مفید و ارزشمند است؛ زیرا «تهیه کنندگان و گویندگان لالایی‌ها مردمان ساده‌ای بودند که فکر طبیعی خود را دربارهٔ واقعیات و اتفاقات و حوادث محلی به کار برده و شرح هر یک را با بیان ساده و عامیانه به صورت فولکلور از خود باقی گزارده‌اند» (سید علی پیرنیا، ۱۳۷۸: ۳۷۹). بنابراین، مقاله حاضر قصد دارد به بررسی لالایی و تحلیل آن در زبان مردم کرمان بپردازد.

تعریف لالایی

در بسیاری از کتب استعارات و کنایات، لالایی به معنای «سخنان شیرین گفتن برای سرگرمی و احیاناً اغفال دیگران» است، مثل «تو لالایی برایشان می‌خوان که بیشتر به خواب بروند، خروس سحر» (ابوالحسن نجفی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۸۱). اما در اصل لالایی، ترانه کوتاهی است حاصل تراوشات ذهنی مردم عامه با بیانی ساده و کلامی روان و بدون هیچ گونه پیچیدگی و دشواری؛ از این‌رو درک آن نه تنها دشوار نیست، بلکه با لذتی ساده و دلنشین همراه‌است، ارمغان این سخن موزون لحظاتی خوشایند و آرام‌بخش برای کودک است آن چنان که در آغوش مادر و بدون دغدغه‌های دنیای خارج، خود را به دامان خوابی آرام می‌سپارد. شاید دلیل نام‌گذاری این نوع ترانه به لالایی آن باشد که «غالب این آوازها را غلامان و دایگان برای کودکان می‌خوانده‌اند و چون برگرفته‌از واژهٔ ترکی «لله» بوده، خوانده‌های آنها «لالایی» نام گرفته‌است» (عطاری، ۱۳۸۱: ۱۲۰۶). احتمالا واژه‌انگلیسی Lullaby به معنای لالایی و فعل انگلیسی Lull به معنای «لالایی گفتن» نیز از همین ریشه هستند و در کل لالایی (Lull)، از اسم ها و فعل هایی هستند که‌از اصوات مشترک در اقوام مختلف برای بیان مقاصد یکسان ساخته شده‌اند.

ضرورت و اهمیت موضوع

هدفیلد روان شناس انگلیسی که به تبیین پایه‌های روان شناسی کودک از دیدگاه بالینی و تجربی پرداخته‌است. مرحلهٔ یک تا سه سالگی را سرآغازی برای تثبیت «خود من» در کودک می‌داند (هدفیلد، ۱۳۶۲: ۱۸۳). این که کودک در حساس ترین مرحلهٔ زندگی خود قرار دارد، ضرورت بازبینی و تحلیل ادبیات این مرحله‌از زندگی کودک را به خوبی آشکار می‌سازد. بر این اساس پرداختن به لالایی‌ها به عنوان یکی از نمودهای ادبیات کودکانه‌از گفتگوی صرف مادر با فرزند خویش فراتر می‌رود و با

توجه به محتوای آنها دارای ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و آموزشی می‌گردد. آگاهی به‌این مسائل، ضرورت پرداختن به‌این گونهٔ ادبی را روشن می‌نماید.

زبان شعر

یکی از کارکردهای اولیه زبان، ارتباط است و ارتباط در خلال زندگی جمعی است که به ظهور می‌رسد. زبان در بُعد اجتماعی پیوسته علائق طبقاتی، گروهی و ملی را بازتاب و دگرگون می‌کند (آلن، ۱۳۸۰: ۲۹). در واقع زبان منعکس کنندهٔ نقش‌های اجتماعی ای است که جامعه برای زنان و مردان تعیین کرده‌است. بر این اساس افراد و گروه‌های مختلف دارای زبان مخصوص خود هستند. علاوه بر این هر گونه‌ادبی نیز دارای زبان خاص خود است، مثلاً زبان شعر حماسی با زبان شعر غنایی متفاوت است. لالایی‌ها نیز این گونه‌اند. برای بررسی زبان شعر و به طور اخص زبان لالایی‌ها شیوه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی از این شیوه‌ها مربوط به بلاغت و صورخیال شعر هستند، برخی مربوط به جنبه‌های موسیقیایی شعر می‌باشند و برخی مربوط به واژگان شعر؛ امّا با وجود این آثار، جای پژوهشی که به صورت جامع به چگونگی ارتباط میان نوع ادبی و زبان توجه کند و در نتیجه، چگونگی تأثیر محتوا لالایی‌ها در زبان شعری آنها را معین نماید، هنوز خالی است. زیرا وقتی ذهن و اندیشه با موضوعی خاص درگیر شود، زبان هم متناسب با آن موضوع شکل می‌گیرد؛ زیرا هر موضوعی، زبان مخصوص به خود را می‌طلبد. در واقع باید گفت: «محور همه تحولات شعر، زبان و روابط اجزای زبان آن است» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۹: ۲۸). این موضوع، در انواع ادبی اهمیت خاصی دارد؛ زیرا زبان هر نوع ادبی مخصوص خود آن است. مثلاً در جریان شعر عرفانی، واژگانی چون شراب، میخانه، ساقی و. . دارد. در شعر حماسی نیز واژگانی متناسب با فضای پهلوانی و رزم‌های آن‌ها به کار برده می‌شود و وزن خاصی هم دارند، در دیگر انواع هم به همین صورت است. برای همین، برای بررسی زبان لالایی‌ها لازم است همهٔ جنبه‌ها و شیوه‌های بیان شده توجه نمود؛ یعنی زبان لالایی‌ها را باید از طریق بررسی واژگان، موسیقی و بلاغت آنها، در ارتباط با محتوای آنها شناخت. برای همین، نگارنده‌از میان همهٔ الگوهایی که برای بررسی زبان شعر، ارائه‌شده، روشی که در مقالهٔ «الگوی بررسی زبان حماسی» توسط «شهبازی» در فصلنامه «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره۲۴، بهار ۱۳۹۱ به چاپ رسیده، برگزیده‌است و بر اساس آن، در بررسی زبان شعر لالایی‌ها چهار عامل: ۱- محتوا، ۲- وزن و موسیقی ۳- بلاغت، ۴- واژگان را مورد توجه قرار داده‌است.

محتوای لالایی های کرمان

«برای شناخت افراد جامعه یا اهل ایل و طایفه‌ای باید به‌ادبیات عامیانهٔ آنان مراجعه کرد، زیرا تهیه کنندگان آنان مردمان ساده‌ای بودند که فکر طبیعی خود را دربارهٔ واقعیات و حوادث و مراسم محلی و. . به زبان آورده‌اند. (پیرنیا: ۳۷۹) لالایی‌ها به عنوان منبع غنی‌ای که در بردارندهٔ واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی هستند، کارکردهای زیادی دارند. لالایی‌های کرمان نیز قدمتی چندهزار ساله دارند و برگرفته‌از فرهنگی هستند که‌از زمان تشکیل کهن‌ترین تمدن ایران وجود داشته‌اند. این لالایی‌ها برگرفته‌از شادی ها و غم ها و درد دل‌هایی است که مادران ایران زمین با فرزندان خود داشته‌اند. به طور کلی مضامین به کار رفته در لالایی‌ها را می‌توان مضامینی چون: «محبت مادر، نگرانی و هشدار، آرزوها، گلایه‌ها، ترساندن، طبیعت و محیط زندگی، مسائل اجتماعی و اقتصادی، اشتغال، مسائل

زنان، ظلم و جور اجتماعی، مذهب و برخی اشارات تاریخی» [برشمرد] (عمرانی، ۱۳۸۱: ۳۳) در ادامه مصداق هایی از لالایی‌های کرمانی در ارتباط با این مضامین آورده می‌شود.

مضامین معنوی واعتقادی

کودک از آغازین روزهای حیات خویش با عبارات آهنگین که مادر نثار روح و جان او می‌کند با محیط زندگی و فضای فکری و عقیدتی پیرامون خود آشنا می‌گردد. خداوند در سرتاسر لالایی‌های فارسی حضور دارد، مادر از خداوند می‌خواهد که کودکش را حفظ کند و زنده نگه دارد و همهٔ آرزوهای خوب را از خداوند برای کودک خود می‌خواهد. از جمله‌این لالایی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

لالالا که لالات می‌کنم من نگا بر قد و بالات می‌کنم من

لالالا که لالات بی بلا باد نگهدار شب و روزت خدا باد! (فرهنگ عامیانهٔ مردم ایران، برگ ۲۱۷)

اولا لا لای لا لا لایی عزیزم میره ملایی

که یاد گیره کلام ا... نگهدارش رسول ا...

لالالا گل زیره چرا خوابت نمی گیره؟

به حق سورهٔ یاسین بیا یه خو تو را گیره

(بیاید خواب و تو را فرا گیره) (تاریخ ادبیات کودکان ایران، برگ ۲۹)

لالالا عزیز الله قلم دس گیر، برو ملا

بخوون جزو کلام الله (ترانه و ترانه سرایی در ایران، برگ ۱۸۲)

ولایت پذیری نیز یکی دیگر از مضامین اعتقادی است که مادران در قالب لالایی‌ها به فرزندان خود منتقل می‌کرده‌اند؛ زیرا آمیختگی عمیق دین مقدس اسلام به ویژه مذهب تشیع با فرهنگ مردم و محبت و ارادت خاص مردمان ایران زمین به‌ال مطهر و معزّز پیامبر اعظم (ص) در کلام نوازشگرانه مادران این مرز و بوم نیز جلوه‌ای خاص یافته‌است. برای نمونه لالایی‌های زیر را می‌توان مشاهده نمود:

لالا لالا علی گویم که لالا بر تو می‌گویم

علی برتر علی سرور علی داماد پیغمبر

نگهدارت خدا باشه علی مشکل گشا باشه (نشریه فرهنگ، شماره ۸و۹: ۱۳۰)

لالاییت می‌کنم خوابت نمیاد بزرگت کردم و یادت نمیاد

بزرگت کردم و تا زنده باشی غلام حضرت معصومه باشی (ترانه و ترانه سرایی در ایران، برگ ۱۹۱)

همچنین ابراز عشق و ارادت به حضرت اباعبدالله و خاندان مکرم ایشان، آرزوی زیارت بارگاه شهیدان کربلا در دنیا و امید به شفاعت این خاندان در آخرت مضمون برخی از این دوبیتی‌ها و لالایی‌ها می‌باشد. مثل:

لالالا لالایت می‌آید امیرالمؤمنین بالایت می‌آید

امیرالمؤمنین دردم دوا کن نصیب و قسمت من کربلا کن

لالا لالا به مکتب رو به پاي تخت حضرت رو

خداوندا تو پیرش کن خط قرآن نصیبش کن کلام الله تو پیرش کن زیارت‌ها نصیبش کن

لالا لالا الّا الله که رودم می‌برم ملّا

که می‌خونه کلام الله کلام الله تو پیرش کن زیارت ها نصیبش کن

آرزوها و آرمان‌های مادر

در بیشتر لالایی‌های ایرانی، آرزوها و آرمان‌های مادرانه موج می‌زند، آرزوهایی چون بزرگ‌شدن کودک، سوادآموختن، قرآن‌خواندن، به‌زیارت‌رفتن، ازدواج کردن، سلامتی و تندرستی فرزند، رسیدن به جاه و مقام، کسب ثروت، علم و دانش و نیز دعاهای دیگر عمده ترین مضامین لالایی‌های کرمان را تشکیل می‌دهند، مثل:

لالالا عزیز ترمه پوشم کجا بردی کلید عقل و هوشم

لالالا که لالات بی بلا باد خودت ملا، قلمدونت طلا باد ! (ترانه‌های ملی ایران، برگ ۱۴۷)

در این لالایی چندین نیکی برای کودک آرزو شده؛ این‌که خوابش بدون بلا باشد، بزرگ شود و مولا شود و ثروتمند هم باشد (قلمدونت طلا باد!) در لالایی زیر مادر آرزوی سلامتی کودک را دارد:

لالا لالا گل پسته نشی بیمار نشی خسته که مادر دل به تو بسته

اما گاهی مادر از کودک خود گله‌مند است، مثل:

لالا لالا گل پسته شدم از گریه‌ات خسته

الا لا لا تو را دارم چرا از بی کسی نالم ؟

در لالایی زیر اوضاع اقتصادی جامعه مشخص می‌شود و مادر حاضر است برای سیر کردن کودک، خود را بفروشد: الا لالا زر در گوش ببر بازار مرا بفروش

لالا لالا گل پسته شدم از گریه‌ات خسته

لالا لالا گل پسته نشی بیمار نشی خسته که مادر دل به تو بسته

لالا لالا گل لاله نکن گریه نکن ناله من از مادر کلو خواستم کلیلو زد سر دستم

لالا لالا گل لاله پلنگ در کوه چه می‌ناله. . .

لالا لالا گل پونه گدا اومد در خونه پولش میدم نمی ستونه نونش می‌دم نمی ستونه

لالا لالا گل پونه دلم از زندگی خونه (خون است) لالالالا گل نعنا بابات رفته شدم تنها

لالا لالا گل پونه بابات رفته مگیر بونه لالا لالاگل نعنا بابات رفته به کوه تنها

لالایی طولانی برخی از لالایی‌ها طولانی هستند و به صورت داستان وار بیان می‌شوند. مثل: **اُلالالا** دُرِ دَر گوش / مرا بازار ببر بفروش / اُلالالا خودم تایه* / خرم مخمل کنم سایه /که گهوارت چوب صندل / که روپوشت کنم مخمل / اگر بختت کند یاری / بسازم قصرِ مرواری / که گهوارت بجُنبونم / دل رودم نرنجونم

اُلالالا لالایی/ برو لولوی صحرایی/ برو لولو جهنم شو /بلا گردونِ رودم شو / برو لولوی صحرایی/تو از رودم چه می‌خواهی/که رودم کرده‌لالایی/برو لولو پسِ دیوار/که طفلم می‌شود بیدار/ برو لولو سیاهی تو / عجب سِگ بی‌حیایی تو

تخیل در لالایی ها

تصویر یکی از عوامل تأثیرگذار در شعر است و نقشی مهم در بارورسازی تخیل شعری دارد. اصطلاح تصویر به رسم عادت برای همهٔ کاربردهای مجازی، به کار برده می‌شود. در این مفهوم، تصویر بیانگر هرگونه کاربرد مجازی زبان همانند تشبیه، تشخیص، حس‌آمیزی، اغراق، اسطوره، پارادوکس و. . . است. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵) عنصر تخیل و واقع گرایی در لالایی موجب شکوفایی استعدادهای نهفتهٔ کودک می‌شود و اساس و پایه‌افرینش های ادبی او در آینده خواهد بود. (زینلی، ۱۳۹۵: ۹۳) البته باید گفت؛ لالایی‌ها نه تنها معمولاًآرایش ادبی ندارند بلکه گاهی معنای منطقی نیز در آنها یافته نمی‌شود و چه بهتر! زیرا کودک بهتر می‌تواند بدون حجاب معنا، ازتکرار لالا لالا و موسیقی آن لذت ببرد. چون این ادبیات به زندگی واقعی مردم پیوند می‌خورد و از گوشت و خون آن تغذیه می‌کند، از این رو کمتر برای تبدیل شدن به زبانی استعاری در پوشش آرایه‌های ادبی پیچیده می‌شود. سروده‌های مادرانه پیوند دهندهٔ روح دو انسان است: مادر و کودک. «مادر در لالایی ضمن نوازش کودک و تشبیه‌او به زیباترین مظاهر طبیعت و زندگی، از جور دنیا شکایت‌ها و از همراهی زمانه شادی‌ها می‌نماید. او همهٔ زیبایی‌ها را به فرزند نسبت می‌دهد و همه خوبی‌ها را برای او می‌خواهد. آهنگ این ترانه‌ها، حرکت ملایم رفت و آمد گهواره را در یاد زنده می‌کند و حالت اندوه‌بار زنی که در کنار آن، سعی در خواباندن طفل و گشایش بار دل دارد» (عمرانی، ۱۳۸۱: ۳۱) بنابراین تشبیه و استعاره ساده ترین و در

عین حال پربسامد ترین صورت خیالی هستند که در لالایی های کرمان می‌توان مشاهده نمـود. نمونـه‌هـای زیـر از آن دستند:

الالالا عزیز دونه عزیزم لعل و مرجونه

الالالا گل لاله که گل دارم به گهواره خدا گل را نگه دار

الا لالا گل چنده لبت بوسم همش قنده

الا لالا خدا دادست خدا گنجی به ما دادست

انار، نقره، طلا دادست (عمرانی، ۱۳۸۱: ۵۶-۵۷)

اگرچه کودک در ابتدا تنها شیفتهٔ جاذبهٔ موسیقایی لالایی می‌شود. اما درون مایه لالایی‌هـا نیـز اهمیـت دارد، چـرا کـه درون مایه و جنس واژگان تأثیر مستقیمی بر آوا و لحن ادا کردن و کیفیت القاء آنها دارد. درک آوای واژه‌ها و لحن آنها برای کودک به خوبی امکان پذیر است. در پی همین لحن و آواست که‌احساس شـادی و غـم مـادر بـه کـودک منتقـل می‌شود. نمونه‌های دیگر این لالایی ها عبارتند از:

لالا لالا گل کاشی یه خونه توی نقاشی لالا لالا گل نازم سپند آویز می‌سازم

لالا لالا گل پسته پدر بار سفر بسته لالا لالا گل نرگس که بد بر تو نیاد هرگز

لالا لالا گل سوسن نخای رنگی و سوزن لالا لالا گل ریزم به گوشت طوق میاویزم

لالا لالا گل مهتاب بدوزم نقش تو در خواب لالا لالا گل ارزن الهی پیر شی فرزند

نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد، دریافتیم اجرای لالایی ها فرصتی منحصر به فرد برای مادران اجراکنندهٔ آن، برای بازگو کردن بسیاری از دردها، رنج ها و آرزوها فراهم می‌آورد و از فشارهای روحی و روانی آنها تا حد زیادی می‌کاهد. چون درون‌مایهٔ لالایی‌های ایرانی بیش از آن که شاد باشد رو به‌اندوه و غم دارد و این خود نشانه‌ای از شرایط ناگوار و پر از اضطراب زندگی اجتماعی مادر ایرانی بوده‌است. همچنین لالایی ها بسیار ساده و روان هستند و در آنها از تعبیرات و اصطلاحات عامیانه‌استفاده شده‌است. تشبیه‌ها، کنایه‌ها، عبارت‌ها و اصطلاحات گفتاری مردم نیز در آنها مشاهده می‌شود. در این لالایی ها اصول عروض و قافیه نیز به کار نرفته و تاکید بیشتر بر هجا و آهنگ کلمه‌است. از دیگر کارکردهای لالایی ها می‌توان به یادگیری زبان و واژگان مربوط به‌ان اشاره کرد که با تکرار مداوم لالایی ها زمینه یادگیری زبان برای کودک فراهم می‌شود، ضمن آن‌که با انتقال بسیاری از معانی و مفاهیم در قالب ارزش ها، هنجارها و مقررات اجتماعی به کودکان طی سال‌های نخستین زندگی، زمینه‌های اجتماعی شدن بهتر آنان نیز فراهم می‌آید. البته‌این امر امروزه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به عنوان یکی از وظایف اصلی نهاد خانواده چندان جدی گرفته نمی شود و نهادهایی مانند مهدکودک، پیش دبستانی، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی انجام این امر را به عهده گرفته‌اند.

فهرست منابع

احمد پناهی سمنانی، (۱۳۷۷)، ترانه و ترانه سرایی در ایران، تهران: سروش. ـــــــــــــــــــــــ (۱۳۸۶). ترانه‌های ملی ایران، ناشر مؤلف، چاپ دوم. اخوان ثالث، مهدی، «نوعی وزن در شعر امروز فارسی»، پیام نو، شماره ۵ پلووسکی، آن. (۱۳۶۸). ارزیابی کتاب های کودکان در کشورهای رو به رشد، ترجمه‌امیر فرهمندپور، تهران: سروش. جاوید، هوشنگ، جرجانی، موسی. (۱۳۷۰). آواهای روح نواز، تهران، حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی. جمالی، ابراهیم، لالایی در فرهنگ مردم ایران، (۱۳۸۷)، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. حسن لی، کاووس. (۱۳۸۲). «لالایی‌های مخملین، نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی»، مجله زبان و ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول، شماره ۲، صص ۸۰-۶۱. سادات اشکوری، کاظم، (۱۳۷۷)، «کهن ترین زمزمه سحرانگیز ماده»، شماره ۱۱ تهران: فرهنگ مردم. سلیمانی، فرامرز، «مقدمه‌ای بر شعر و ادبیات کودک و نوجوان»، مجله کلک، شماره ۱۳ شاملو، احمد، (۱۳۷۸)، کتاب کوچه (جامع لغات، اصطلاحات، ضرب المثل‌های فارسی)، دفتر اول، انتشارات مازیار. فرازمند، تورج. (۱۳۷۱). «ترانه‌ای عامیانه»، فرهنگ اصطلاحات ادبی به کوشش سیما داد، تهران: مروارید. عطاری، مهسان. (۱۳۸۱). «لالایی» فرهنگ نامه‌ادبی فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. علوان سلمان، محمد، (۲۰۰۸)، الایقاع فی شعر الحدائه، الاسکندریه: العامریه. عمرانی، سید ابراهیم. (۱۳۸۱). لالایی‌های ایرانی، تهران: پیوند نو. لریمر، (۱۳۵۳)، فرهنگ مردم کرمان، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. محمدی، محمدهادی؛ زهره قایینی (۱۳۸۲)، ادبیات شفاهی کودکان ایران، تهران، چیستا. مقدسی، صادق، لالایی، ۱۳۸۳، شماره ۲ میهن دوست، محسن، (۱۳۵۵)، کله فریاد (ترانه‌های خراسان)، تهران: مرکز مردم شناسی ایران. کیانی، حسین، حسن‌شاهی، سعیده، (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی ساختار و درون مایهٔ لالایی‌های فارسی و عربی» مجله مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال سوم، شماره دوم، صص۹۱-۱۰۹. کیانوش، محمود، (۱۳۷۹)، شعر کودک در ایران، تهران: آگاه. قزل ایاغ، ثریا، (۱۳۸۶)، ادبیات کودکان؛ تولد تا سه سالگی، تهران: درخت بلورین. هدایت، صادق، (بی تا)، نوشته‌های پراکنده، به کوشش حسن قائمیان، تهران: امیرکبیر. ـــــــــــــــ (۱۳۷۹)، فرهنگ عامیانهٔ مردم ایران، به کوشش جهانگیر هدایت، نشر چشمه تهران، چاپ سوم. هدفیلد، جیمزآرتور، (۱۳۶۲)، روانشناسی کودک و بالغ، ترجمه مشفق همدانی، تهران: صفی علیشاه.

Survey of Kermani Lullabies

Tahere Hassani Saadi *
Najmeh Taheri Mah zamini

Abstract
Lullaby is one of the elements of folk culture, which has always been Mons loneliness for mothers and children since ancient times. This type of literature is a very important source for understanding the culture of the past, because it contains cultural, literary, political and social information of the past. Accordingly, in this article, the specific language of Kermani lullabies and some of its functions are examined in terms of content, music, vocabulary, imagination and characters, and the narrative method, in order to determine the specific features of the language of lullabies Kerman and the special relationship between the language of these lullabies with the climate, livelihood and lifestyle of people.

Key words: lullaby, kerman, folklore, language, father, mother, child.

---

*Master of Science in Farsi Language and Literature